

مقدمه

در پاسخ به علاقمندان رشته حقوق و با استقبال چشمگیری که از سراسر کشور در خصوص چاپ و توزیع دوره (حقوق به زبان ساده) صورت پذیرفت، ضرورت تهیه کتابچه آشنایی با اصطلاحات و واژه های حقوقی بیشتر ملموس گردید. به یقین امتیاز این مجموعه ها همانا وصف کاربردی و ساده نمودن مباحث مختلف حقوقی مربوط به حوزه های مورد نیاز مخاطبین بوده است. اکنون آنچه که می تواند بر تعمیق بهره گیری از محتویات کتابچه های منتشره کمک نماید، تهیه فرهنگ و لغت نامه ای با همان سبک و شیوه ساده می باشد. خوشبختانه واژه نامه حاضر واجد اصطلاحاتی است که ضمن بیان حقوق عرفی، خوانندگان را با معانی فقهی نیز آشنا خواهد ساخت. هم چنین تلاش و مساعی لازم بر این بوده است ضمن معرفی اصطلاحات تثیل و نامأنوس برای عموم، با استفاده از مثال به تبیین آنها پرداخته شود.

این اثر آخرین سری از سلسله متون آموزشی است که در چنین قالبی جهت ارتقاء دانش قضایی اعضای شوراهای حل اختلاف و اعتلای فرهنگ حقوقی شهروندان نگاشته شده است شایسته می باشد. ضمن قدردانی از تشریک مساعی دفتر عمران سازمان ملل متحد (UNDP) از کلیه اساتید و همکارانی که در تدوین این مجموعه ها اهتمام ورزیده اند، بویژه آقایان و خانمها شهرام محمدزاده غلامرضا اخلاقی، مهرالسادات صادقی و هما صالحی مستشاران محترم قضایی معاونت آموزش سپاسگزاری گردد.

در پایان نکته قابل تذکر این است که گرچه تلاش دست اندرکاران بر دوری از نقص و کاستی بوده است، لیکن از آنجائیکه تبیین قواعد و اصول پیچیده حقوقی به زبان عمومی کار دشواری می باشد بنابراین از خوانندگان گرامی انتظار می رود از اشکالات و خطاها اغماض ننموده و با گوشزد نمودن آنها ما را در تنقیح و اصلاحات بعدی یاری فرمایند.

دکتر محمود براتی نیا
سرپرست اداره کل
آموزش های مردمی قوه قضائیه

ابلاغ

رساندن اوراق دعوی مانند اخطاریه، اجرای حکم، اجراء سند و ... به اطلاع شخص یا اشخاص معین با رعایت تشریفات قانونی.

ابلاغ واقعی

رساندن اوراق دعوی به خود شخص مخاطب یعنی شخصی که هدف از ابلاغ اطلاع دادن به اوست از طریق خودش یا وکیل اش.

ابلاغ قانونی

هرگونه ابلاغی که مطابق مقررات قانون است ولی به شخص مخاطب یا وکیل او صورت نمی گیرد برای مثال اگر برگه اخطاریه وقت حضور در دادگاه به همسر مخاطب ابلاغ شود ابلاغ قانونی است.

اتلاف

از بین بردن مال دیگری را گویند چه قسمتی از یک مال باشد و چه تمام آن، با اتلاف مال دیگری برای اتلاف کننده مسئولیت مدنی ایجاد چه تلف عمدی چه غیر عمدی یعنی فرقی نمی کند کسی عمداً خانه دیگری را آتش بزند یا با روشن کردن آتش بیش از حد متعارف در حیات منزل خود بدون آنکه قصد آتش سوزی منزل دیگری را داشته باشد آتش به خانه دیگری سرایت کرده و موجب اتلاف گردد.

اجاره

عقدی است که به موجب آن یک طرف که موجر نامیده می شود منافع عین مالی را (چه غیر منقول مانند خانه و چه منقول مانند خودرو) به ازای دریافت اجاره بها به طرف دیگر که مستأجر نامیده می شود منتقل می کند. اگر شخصی منافع و نیروی کار خود را به ازای دریافت اجرت در اختیار دیگری قرار دهد به او اجیر و به استفاده کننده مستأجر گویند.

اجرائیه ورقه ای است که تحت تشریفات خاص قانونی در مراجع قضایی یا اداری مانند اداره ثبت اسناد و املاک تهیه می شود و مفاد آن متضمن دستور دادگاه به انجام موضوع آن است برای مثال حکم دادگاه مبنی بر پرداخت سه ماه اجاره بهای معوقه یا تخلیه ساختمان مسکونی یا الزام به تنظیم سند رسمی و ... همچنین اجرائیه ممکن است از سوی مراجع اداری مانند اداره ثبت اسناد و املاک برای اجرای مهریه صادر شود.

اجرت المثل اگر کسی از مال دیگری استفاده کند و عین مال با استفاده کردن باقی باشد و از بین نرود مانند استفاده از اتومبیل یا خانه یا ملک دیگری و بین استفاده کننده و صاحب آن عقدی منعقد نشده باشد استفاده کننده باید بابت آنچه که استفاده کرده به صاحب مال بدهد. به وجهی که بابت این استفاده پرداخت می شود اجرت المثل گویند. برای تعیین اجرت المثل با در نظر گرفتن شرایط و اوضاع و احوال، نوع استفاده، عین مال، و ... مبلغی برای مدت استفاده در نظر گرفته می شود. در مقابل اجرت المثل اجرت المسمی قرار دارد یعنی اجرتی که طرفین بر آن توافق کرده اند.

احضاریه ورقه ایست که در آن قاضی امر می کند تا کسی اعم از متهم، مطلع یا گواه در دادسرا یا دادگاه حاضر شود. در صورت ابلاغ احضاریه با رعایت تشریفات مربوطه و عدم حضور مخاطب بدون عذر موجه موجب خواهد شد تا توسط مرجع قضایی جلب گردد.

احوال شخصیه عبارت است از مجموع صفات انسان که به اعتبار آنها یک شخص در اجتماع دارای حق و حقوقی شده و آن را اعمال می کند مانند تابعیت، ازدواج، طلاق، وصیت، اقامتگاه و ...

اخذ به شفعه: هرگاه مال غیر منقول قابل تقسیمی مانند خانه، زمین بین دو نفر مشترک باشد و یک نفر از شرکاء سهم خودش را به شخص ثالثی بفروشد شریک دیگر حق دارد به اندازه وجهی که شخص ثالث پرداخته به او بدهد و کل مال را تملک کند و شخص ثالث نقشی در اعمال این حق از سوی شرکت ندارد. از اینرو در معامله مال غیر منقول که دارای شریک است باید توجه کرد که شریک حق اعمال اخذ به شفعه دارد.

اخطاریه یاد آوری کردن رسمی یک یا چند موضوع در حدود مقررات به مخاطب است مانند اخطاریه برای حضور در دادگاه حقوقی، یا ارایه اصول اسناد در دادگاه یا برای پرداخت مالیات توسط اداره دارایی.

ارتفاق حقی است برای ملک شخصی در ملک دیگری مانند حق عبور آب از ملک غیر و حق گشودن ناودان در زمین دیگری.

ارث دارایی متوفی بعد از کسر و اجبات مالی و بدهی و ثلث را ارث گویند به این دارایی ماترک گفته می شود. در معاملات عبارت است از کسری که صورت آن تفاوت قیمت صحیح و معیوب روز تقویم مال مورد معامله و مخرج آن کسر، قیمت صحیح روز تقویم می باشد. هرگاه این کسر ضرب در قیمت بهای روز وقوع عقد شود حاصل این ضرب را ارش می گویند و در امور کیفری هرگاه در قانون برای عضوی دیه مقدر و تعیین نشده باشد برای آن عضو توسط کارشناس یا قاضی ارش تعیین می شود. برای مثال دست دارای دیه معین است یعنی ۵۰ نفر شتر ولی طحال دارای دیه معین نمی باشد و قاضی برای آن ارش تعیین می کند.

استرداد دعوی در امور حقوقی هرگاه خواهان (مدعی) از دعوی خود با رضایت خودش از دادخواست و ادعایش صرفنظر کند اصطلاحاً گفته می شود که خواهان دعوایش را مسترد کرده است.

استرداد مجرمین بازپس گرفتن مجرم ایرانی است که پس از ارتکاب جرم از ایران به کشور دیگر فرار می کند یا بازپس گیری مجرمی که دارای تابعیت خارجی است و در کشور خودش مرتکب جرم شده و به ایران گریخته است در هر حال استرداد مجرمین نیاز به توافق قبلی بین دولت ها دارد.

استشهادیه ورقه ایست که در آن شهادت گواهان در ارتباط با موضوعی که می خواهند شهادت بدهند نوشته می شود.

اسقاط کافه خیارات معمولاً در قراردادها این عبارت آورده می شود تا عقد قوام و ثبات پیدا کند و از حالت تزلزل خارج شود مقصود از خیار همان اختیار است برای مثال اختیار فروشنده برای فسخ معامله و ...

اشاعه اجتماع و جمع شدن حقوق چند نفر بر مال معین را گویند برای مثال مالکیت مشاعی چند نفر بر روی یک زمین مال مورد اشاعه را مال مشاع گویند.

اضطرار حالتی است که در آن تهدیدی صورت نمی گیرد ولی اوضاع و احوال برای انجام یک عمل طوری است که انسان با وجود عدم رضایت آن کار و تمایل به بواسطه آن شرایط و اوضاع و احوال آن کار را انجام می دهد.

اظهارنامه نوشته ای است که مطابق مقررات قانون تنظیم می شود و نویسنده خواسته قانونی و مشروع اش را در آن می آورد و به وسیله مأمورین دادگستری به طرف مقابل ابلاغ می شود. برای مثال (الف) برای مطالبه اجاره بهای معوقه از طریق اظهارنامه به طرف مقابل (مستأجر) ابلاغ می کند، بدهی اش را بپردازد.

اظهارنامه ثبتی ورقه ای است چاپی و رسمی که توسط مأمور دولتی مخصوص که مأمور توزیع اظهارنامه نام دارد پس از تنظیم صورت مجلسی شامل حدود و نوع ملک و مشخصات آن و مالک و امضاء ریش سفیدان محل و مطلعین، بین متصرفین به عنوان مالکیت توزیع می شود مندرجات آن باید با صورت مجلس بالا مطابق باشد و شماره ملک هم باید در اظهارنامه درج شود.

اعاده حیثیت قانونی هرگاه به جهت گذشتن مدتی که قانون معین کرده و عدم محکومیت جدید کیفری به حکم قانون وبدون حکم دادگاه حیثیت مجرم به او بازگردد و اهلیتی را که از دست داده به دست آورد این معنی را اعاده حیثیت قانونی گویند. در مقابل اعاده حیثیت قانونی، اعاده حیثیت قضایی قرار می گیرد در این حالت محکوم به حکم جزایی از طریق صدور حکم دیگر حیثیت او باز می گردد.

اعاده دادرسی از راه های رسیدگی فوق العاده به پرونده های مدنی یا کیفری است که حکم قطعی در مورد آنها صادر شده است.

اعتراض به ثبت اعتراضی است که ذینفع به ضرر متقاضی اعتراض به ثبت ثبت ملک یا سایر امور قابل ثبت به عمل می آورد.

اعتراض به حکم غیابی هنگامی که محکوم به حکم دادگاه یا وکیل او در هیچ یک از جلسات محاکمه حضور نداشته و یا در پاسخ به ادعای مطروحه لایحه ای به دادگاه نفرستد و یا اینکه جلسه محاکمه به طور واقعی به او ابلاغ نشده باشد حکم صادره غیابی است شکایتی که محکوم حکم غیابی به این حکم می کند اعتراض به حکم غیابی گویند.

اعتراض ثالث نوعی شکایت و دعوی است که از روش های فوق العاده شکایت از احکام مدنی است. در این دعوی شاکی از کسانی است که شخصاً یا نماینده اش در مرحله محاکمه ای که منجر به صدور رای شده به عنوان اصحاب دعوی حضور ندارد و رای مزبور به حقوق او خلل وارد می کند به این اعتراض، اعتراض شخص ثالث نیز گویند.

اعتراض عدم تأدیة اعتراضی است که بر اثر امتناع از برات یا سفته وجه در سررسید برات و سفته به عمل می آید.

اعتراض کول اعتراضی است که بر اثر نوشتن عدم قبول برات یا سفته از سوی کسی که باید پرداخت کند به هنگام دیدن سفته یا برات به عمل می آید.

اعراض چشم پوشی کردن مالک از مال اش را گویند.

اعسار اگر شخصی به واسطه عدم کفایت دارایی یا دسترسی به مال اش قدرت پرداخت هزینه دادرسی یا پرداخت بدهی اش را نداشته باشد می گویند فلانی معسر است و باید برای اثبات اعسارش درخواست اعسار از دادگاه صالح به عمل آورد.

افراز دعوایی است که شریک ملک مشاع بر شریک دیگر به منظور تقسیم مال مزبور در صورت عدم تراضی بر تقسیم اقامه و طرح می شود.

به هم زدن عقد غیر قابل فسخ را با تراضی طرفین عقد گویند. **اقاله**

اقامتگاه محلی که شخص در آن سکونت دارد و مرکز مهم امور او نیز در آنجاست. اگر محل سکونت شخص غیر از مرکز مهم آموزش باشد مرکز امور او اقامتگاهش محسوب می شود مرکز امور مهم عبارت است از محلی که شخص در آنجا از حیث شغل و کسب یا خدمت یا علاقه ملکی اقامت دارد.

تدابیری است که دادگاه برای جلوگیری از تکرار جرم درباره مجرمین خطرناک **اقدامات تأمینی** اتخاذ می کند مانند نگهداری مجرمین دیوانه در بیمارستان.

اقرار اگر شخص خبری را اعلام کند که مفاد آن بر ضرر خودش و به نفع دیگری باشد اقرار نام دارد. به شخصی که اقرار می کند مقرر گویند. اگر مفاد این خبر به نفع خودش و به ضرر دیگری باشد ادعا و اگر به نفع دیگری و به ضرر شخص ثالثی باشد شهادت نام دارد.

اقرار شخص مبنی بر وجود رابطه فامیلی خویشاوندی بین اقرار کننده و شخص دیگر را گویند. مانند اینکه الف اقرار کند ب فرزندش است. **اقرار به نسب**

اکراه رفتار و عملی است تهدید آمیز از طرف کسی نسبت به دیگری به منظور تحقق بخشیدن عمل مورد نظرش. به اکراه کننده مکره و به اکراه شونده مکره گویند.

وسيله‌ای است که با توجه به خصوصیات و شرایط **آل-قناله** اوضاع و احوال کشنده محسوب می شود مانند اسلحه یا چوب یا سنگ و ...

التزام تعهد کردن گاهی در قراردادهای وجهی به عنوان وجه التزام آورده می شود که به منظور تأمین خسارت عدم انجام تعهد یا تأخیر آن مقرر می شود.

اماره هر چیزی که حکایت از چیز دیگری داشته و در پرونده های مدنی و کیفری ظاهراً جنبه کاشفیت از واقع دارد مانند تصرف شیئی که در ظاهر کاشف از مالکیت متصرف است. البته ممکن است خلاف آن نیز ثابت شود. برای مثال ممکن است شیئی که در تصرف الف است در مالکیت ب باشد که الف بطور امانی آن را در اختیار گرفته است.

امانتی است که از طریق توافق مالک و امین به وجود می آید. به کسی که مال دیگری را به رسم امانت در تصرف دارد امان دار و کسی که مال را نزد او به امانت می گذارد امانت گذار گویند. **امانت مالکانه**

امر آمر قانونی امر قانونی کسی است که به حکم قانون صلاحیت صدور دستوری را به کسی که تحت امر اوست داراست مانند اوامری که دادستان برای تکمیل پرونده و یا کشف جرم به ضابطین صادر می کند.

اموالی است که سابقه تملک دارند ولی مورد اعراض مالک آنها واقع شده اند مانند مالی که در دریا بر اثر غرق کشتی به اعماق دریا می رود و مالک آن از آن چشم پوشی می کند. اموال بلاصاحب با اموال مجهول مالک فرق دارند زیرا مال مجهول المالك سابقه تملک دارد ولی در زمان معینی هویت مالک آن شناخته نمی شود. **اموال بلاصاحب**

اموال دولتی هر مالی اعم از منقول و غیر منقول که در تصرف مالکانه دولت قرار گرفته است.

به اموری گفته می شود که دادگاه ها باید بدون ملاحظه اینکه در مورد آنها اختلاف و مراغه ای وجود پیدا کرده یا نه وارد رسیدگی شده و اتخاذ تصمیم کنند. **امور حسبه** مانند رسیدگی به اموال متوفای بلا وارث، تعیین سرپرست برای دیوانه ای که ولی با قیم ندارد.

عبارت است از توقف رسیدگی یا تعقیب امر جزایی بر امر مدنی یا تجاری یا اداری یا کیفری. برای مثال شخصی علیه دیگری به عنوان تخریب ساختمان شکایت می کند و طرف مقابل در پاسخ می گوید **اناطه کیفری**

که ساختمان متعلق به خودش است برای رسیدگی به این ادعا که امری است مدنی، پرونده کیفری تا زمان مشخص شدن مالکیت متهم نسبت به ملک متوقف شده و رسیدگی به امر کیفری به امر مدنی منوط و موکول می شود.

انتقال مال منقول یا غیر منقول یا مطالبات کسی به دیگری است بدون اینکه بین آن دو توافقی صورت گرفته باشد مانند انتقال اموال متوفی به ورثه اش.

انفال اموالی است که به موجب قانون متعلق به حکومت است مانند جنگلهای طبیعی، اموال اشخاصی که وارث ندارند.

انحلال قهری عقد را گویند برای مثال اگر کالای مورد معامله قبل از قبض آن توسط خریدار تلف شود موجب انفساخ معامله می شود یعنی عقد بیع خود به خود منحل خواهد شد و اراده طرفین معامله تأثیری ندارد.

انفصال یعنی منع اشتغال مستخدم دولت به خدمت دولت برای همیشه یا بطور موقت.

اگر سندی عادی مانند سفته، برات، چک، نوشته عادی و... علیه شخصی ابراز شود و او مهر یا امضاء یا اثر انگشت منتسب به خود را نفی کند و آنها را از خود نداند به این عمل انکار گویند. انکار فقط نسبت به اسناد عادی امکان پذیر است نه اسناد رسمی. در مورد اسناد رسمی فقط می توان ادعای جعل کرد. فرق انکار با جعل در آن است که در انکار به صرف اظهار آن طرف مقابل یعنی کسی که به سند استناد می کند وظیفه دارد اصالت آن را اثبات کند نه انکار کننده ولی در جعل آنکه مدعی جعل است باید جعلیت سند را به اثبات برساند.

اسناد مالی که در معاملات بورسی و بانکی قابل نقل و انتقال و دارای نرخ باشد.

هر چیزی که حکایت از چیز دیگری داشته و در پرونده های مدنی و کیفری ظاهراً جنبه کاشفیت از واقع دارد مانند تصرف شیئی که در ظاهر کاشف از مالکیت متصرف است البته ممکن است خلاف آن نیز ثابت شود. برای مثال ممکن است شیئی که در تصرف الف است در مالکیت ب باشد که الف بطور امانی آن را در اختیار گرفته است.

کسانی که در موضوعی دارای آگاهی و اطلاعات خاص بوده و همانند یک کارشناس قادر به اظهار نظرند.

اهلیت صفت کسی است که دارای جنون، سفه، صغرسن، ورشکستگی و سایر موانع محرومیت از حقوق نباشد.

اشکالات مخصوص و منصوص در قانون که از طرف خواهان یا خوانده یا رأساً به حکم قانون متوجه دعوی می شود مانند ایراد امر مختوم یا ایراد رد دادرس. فرضاً اگر قاضی با یکی از اصحاب دعوی رابطه خویشاوندی داشته مثلاً عموی خواهان باشد خوانده می تواند ایراد رد دادرس کند.

ایفاء دین پرداخت دین



بائزر زمینی است که دارای مالک ولی برای مدتی نامعلوم در آن کشت و زرع نمی شود.

بازپرس مقام قضایی است که وظیفه اش تحقیق از متهمین و انجام تحقیقات مقدماتی در پرونده های کیفری است. قبلاً به بازپرس مستنطق گفته می شد.

بایع دختری که به سن ۹ سال قمری و مردی که به سن ۱۵ سال قمری رسیده باشد. کسی که در معامله کالایی را می فروشد در مقابل او مشتری یا خریدار قرار می گیرد.

بذل مدت صرف نظر کردن زوج از ادامه اثر عقد نکاح در ازدواج موقت و پایان بخشیدن به آن را گویند.

برائت اصلی است فقهی و عقلی که در امر کیفری و مدنی به کار می آید. برای مثال اصل آن است که هیچ کس مجرم نیست و مبری از ارتکاب جرم می باشد.

برائت ذمه خالی بودن ذمه شخص از تعهد را گویند کسی که ذمه اش خالی از تعهد بوده و یا دینی داشته و آن را پرداخت کرده باشد می گویند او بری الذمه است این اصطلاح در مقابل مشغول الذمه قرار می گیرد.

بیع نوعی عقد است که یک طرف عین مالی را به ازای دریافت پول یا مال معلومی به دیگری تملیک می کند مثل فروش خانه یا ماشین.

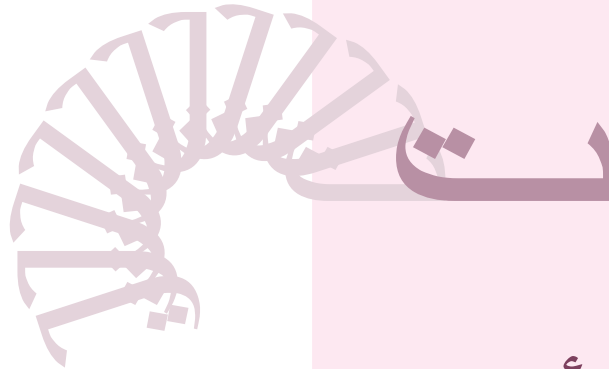
بیع سلف و سلم پیش خرید - پیش فروش

بیعانه مقداری از بهای معامله است که از بابت اطمینان فروشنده از طرف خریدار به او پرداخت می شود (پیشکی)



پایندان

ضامن



تأخیر تادیه خسارت

پولی است که بر اثر تأخیر بدهکار در پرداخت بدهی باید به طلبکار بپردازد.

تأمین خواسته تضمینی است که خواهان از اموال خوانده قبل از صدور حکم به نفع خودش از دادگاه می خواهد.

تأمین دلیل صورت برداری دادگاه از دلایل اثبات دعوی قبل از طرح و اقامه دعوی به منظور جلوگیری از زوال و از بین رفتن دلایل است که به درخواست خواهان به عمل می آید. برای مثال برای بررسی میزان پیشرفت کار ساختمان در زمان پی کتی و عدم انجام به موقع آن از سوی پیمانکار، کارفرما می تواند با تأمین دلیل آن را برای آینده حفظ کرده و برای مطالبه خسارت استناد کند.

رد و بدل شدن دادخواست و ضمائم آن و جوابی که طرف مقابل به آن می دهد. تبادل لواج

تبع دادن مال بدون چشم داشت
تجاهر علن و آشکار

تجری اقدام به عملی که جرم است از روی عمد و علم به معنی
تمرد نیز می باشد.

تحقیقات محلی شنیدن گواهی گواهان و مطلعین محلی توسط قاضی

تدلیس اعمالی که موجب فریب طرف معامله می شود و شخص
فریب خورنده تحت شرایط قانونی حق فسخ دارد.

ترک انفاق ندادن خرج و مخارج اشخاص واجب النفقه
در صورت داشتن استطاعت را گویند. در مورد زن اگر شوهر استطاعت نداشته
باشد زن از اوتمکین کند و در عین حال شوهر نه او را طلاق دهد و نه
نفقه را بپردازد جرم ترک انفاق محقق می شود.

ترکه دارایی متوفی که بدهی و واجبات مالی و ثلث از
آن خارج شده است.

تزویر جعل

تسبیب ضرر زدن به مال غیر که منشاء ضرر
بوسیله خود مرتکب به هدف هدایت نشده
ولی بر اثر تقصیر یا بی مبالاتی و غفلت و عدم احتیاط او ضرری متوجه
دیگری می شود مانند آنکه گوسفندان بواسطه عدم مراقبت به مزرعه
گندم دیگری رفته و چرای آنها موجب ضرر به کشاورز گردد. یا زنجیر
سگ را محکم نبندند و سگ به عابرین حمله کند.

تسلیط برابر این اصل هر کس حق هر گونه تصرف که
مخالف شرع نباشد، دارد از اینرو هر مالکی نسبت
به مایملک خود حق هر گونه تصرف و انتفاعی دارد مگر آنکه قانون استثنا
کرده باشد. برای مثال هر کس حق ساخت و ساز در ملک شخصی اش
دارد ولی برابر مقررات شهرداری نمی تواند بیش از چند طبقه معین شده
در ضوابط و آیین نامه های مربوط اقدام به ساخت آپارتمان نماید.

تسلیم تسلیم در عقد بیع عبارت است از اینکه فروشنده مال
مورد معامله را به خریدار و خریدار بهای
معامله را به فروشنده که منتقل کرده است
به استیلا و تصرف او در آورد و در اختیارش قرار دهد.

تصدیق انحصار وراثت گواهی است که به موجب آن ورثه
متوفی از دادگاه درخواست صدور آن را می کنند تا وراثت متوفی به عدد
و اشخاص معین و معلوم شود به این گواهی، گواهی حصر وراثت نیز
گفته می شود.

تصرف عبارت است از اینکه مالی در اختیار کسی
باشد و او بتواند نسبت به آن مال تصمیم گیری کند.

تصرف عدوانی تصرفی است که بدون رضای مالک
مال غیر منقول از طرف کسی صورت
گرفته باشد. در معنی عام کلمه تصرف
عدوانی عبارت است از خارج شدن مال از استیلا و تصرف مالک آن مال
بدون رضایت اش.

تصرف مالکانه اگر کسی متصرف مالی باشد فرض قانونی
آن است که تصرف او مالکانه است
مگر آنکه خلافش ثابت شود برای مثال ساعتی که در دست الف است یا
فرشی که در خانه اوست فرض آن است که او مالک آن اشیاء است این
فرض تا زمانی اعتبار دارد که با دلایل دیگر خلافش به اثبات نرسیده باشد.

تضمین دادن وثیقه چه وجه نقد باشد یا غیر آن
مانند خانه و چه سپردن ضامن
مانند دادن یک فقره چک برای تضمین حسن انجام کار یا تخلیه.

تعزیر مجازاتی است که نوع (شلاق، حبس، جزای
نقدی و ...) و میزان آن (یکسال حبس، ده
ضربه شلاق، ده میلیون ریال) در شرع نیامده و توسط
قاضی تعیین می شود. در حال حاضر در کشور ما در قانون مجازات
اسلامی انواع مجازات های تعزیری برای جرایم ارتکابی تعیین شده است.
برای مثال مجازات خیانت در امانت ۶ ماه تا سه سال حبس تعزیری است.

تعليق

تجاوز از حدود اجازه یا متعارف نسبت به مال یا حق دیگری.

تعرفه

صورت قیمت ارقام کالا.

تعليق مجازات

تحت شرایطی محکوم به مجازات می تواند از امتیازات این تأسیس حقوقی استفاده کند و مجازات مقرر در حکم در مورد او به اجرا در نیاید. چنانچه در مدت ایام تعلیق که از دو تا ۵ سال است مرتکب جرم شود علاوه بر مجازات جرم ارتكابی مجازات جرم قبلی که به اجرا در نیامده نیز در مورد اجرا خواهد شد (به ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی رجوع شود)

تفاسخ

مترادف با اقاله است (به اقاله رجوع شود)

تقصیر

از نظر حقوق به ترک عملی که شخص ملزم به انجام آن است یا ارتکاب عملی که شخص از انجام دادن آن منع شده گویند. برای مثال برابر قانون اشخاصی که دارای تخصص هستند و علم و مهارت شان در کمک به مصدومین حادثه موثر است تکلیف دارند که به مصدومین کمک کنند ترک این عمل نوعی تقصیر است. (تعدی) و یا اینکه مستأجر نباید از ساختمان مسکونی برای راه اندازی کارگاه استفاده کند (تفریط)

تكرار جرم

هرگاه کسی به موجب حکم دادگاه به مجازات تعزیری یا بازدارنده محکوم شود چنانچه بعد از اجرای حکم دوباره مرتکب جرم قابل تعزیر گردد دادگاه می تواند در صورت لزوم مجازات او را تشدید کند.

تلف

از بین رفتن مال بدون دخالت مستقیم یا غیر مستقیم مالک یا شخص دیگر.

اگر مال مورد معامله قبل از تسلیم و بدون تقصیر و اهمال از سوی فروشنده، تلف شود معامله خود بخود فسخ می شود و بهای معامله باید به مشتری پس داده شود.

توقيف اجراء حکم

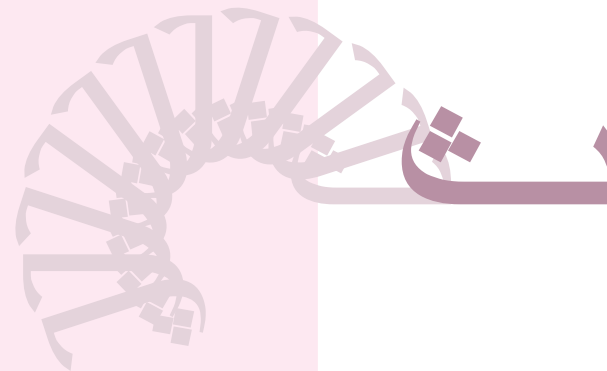
قطع موقت

اجراء حکم یا قرار به دستور مقام صلاحیتدار پس از شروع به اجراء.

توقیف مال مدیون یا محکوم علیه از طریق اجراء ثبت یا اجرای احکام دادگستری این توقیف مانع از تصرف مالک در مال خود می باشد.

در دعاوی مدنی پس از شروع به محاکمه در مواردی که قانون تصریح می کند مرجع رسیدگی می تواند برای مدتی دادرسی را متوقف سازد مانند هنگامی که یکی از اصحاب دعوی فوت می کند.

یکی از اسباب سقوط تعهدات است به موجب تهاتر طرف که دارای تعهدی متقابل هستند و موضوع تعهدشان (اعم از اینکه وجه نقد یا اشیاء باشد مثل برنج، گندم و ...) به تعداد مساوی با یکدیگر ساقط می شوند. این تهاتر می تواند با اراده طرفین یا به حکم قانون یا حکم دادگاه باشد.



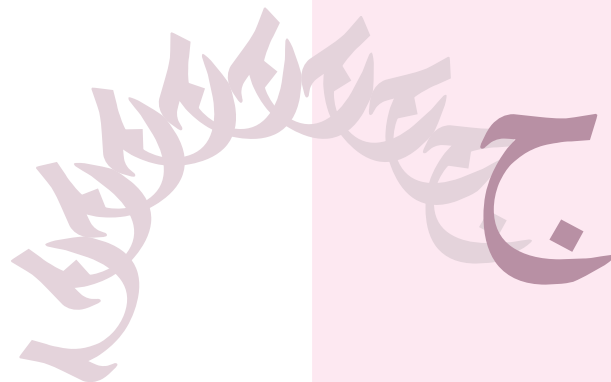
ثالث شخص دیگری غیر از طرفین قرارداد.

ثبث احوال ثبت وقایع چهارگانه (تولد، وفات، ازدواج، طلاق)

ثالث یک سوم ترکه که طبق وصایای متوفی تصرف در آن بدون نیاز به اذن و اجازه ورثه، اعتبار دارد.

ثالث باقی یا مود مالی غیر منقولی که متوفی آن را از محل ثلث ترکه برای صرف در مصارف خیر معین می کند که منافع آن علی الابد و علی الدوام به مصرفی که معین شده صرف گردد.

ثمن بهای معامله و مالی است که به عوض کالای مورد معامله از سوی خریدار پرداخت می شود.



جرح در دو معنا بکار می رود یکی تجاوز به جسم آدمی است که موجب خونریزی در قسمت بیرونی بدن می شود و دیگری ایراد بر عدالت دیگری نزد قاضی است. مثل جرح شاهد بواسطه نداشتن شرایط شهادت.

جرم عملی که قانون برای آن مجازات یا اقدامات تأمینی مقرر کرده است مثل سرقت، کاهبرداری، تصرف عدوانی و ...

جعل در امور کیفری عبارت است از قلب حقیقت یا بوسیله یک عمل مادی مانند الحاق کلمه ای یا دست بردن در متن یک سند اجاره یا در مضمون یک عمل حقوقی بدون اینکه همراه یک عمل مادی باشد مثل اینکه منشی دادگاه در نوشتن اظهارات متهم جعل کند بدین نحو که متهم اقرار به ارتکاب جرم نکرده و می گوید اتهام وارده را قبول ندارم و او از قول متهم، با سوء نیت می نویسد که اتهام وارده را قبول دارم.

جلد تا زیانه را گویند و اگر مجازات حدی کامل باشد صد تازیانه است مثل حد زنای مردی که همسر ندارد.

جنون صفت کسی است که فاقد تشخیص نفع و ضرر و حسن و قبح است جنون یا دائمی است یا ادواری، هر یک از دو دسته جنون دائمی و ادواری ممکن است متصل به دوران کودکی باشد یا بعد از سن رشد عارض گردد.

جنین فرزند مادام که در رحم مادر است جنین نامیده می شود.



چک

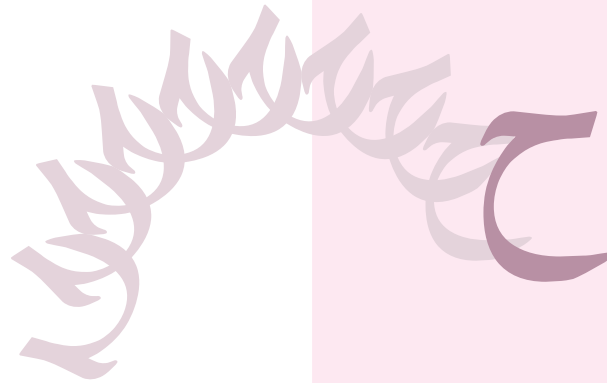
نوشته ای که به موجب آن صادر کننده و جوهی را که نزد دیگری دارد (بانک)، کلاً یا قسمتی از آن را به نفع خود یا دیگری از بانک مسترد می کند.

چک به محل

چکی است که صادر کننده اش در تاریخ سررسید وجه و اعتباری نزد بانک نداشته و یا اگر دارد کمتر از میزان مندرج در چک می باشد.

چک وعده دار

چکی است که به موجب آن صادر کننده به بانک دستور پرداخت چک را در راس موعد معینی می دهد که این تاریخ با تاریخ صدور چک یکی نمی باشد و به اصطلاح چک روز نیست.



حبس

در امور مدنی نوعی عقد است که شبیه وقف می باشد ولی با وقف تفاوت هایی دارد برای مثال در حبس ملک از مالکیت حبس کننده خارج نمی شود در واقع حبس نوعی حق انتفاع از ملک دیگری را تحت شرایطی ایجاد می کند و اما در امور کیفری حبس نوعی مجازات است که آن را مترادف با زندان می دانند.

حجب

حالت وارثی است که به علت بودن وارث دیگر از بردن ارث کلاً یا بعضاً محروم می شود. برای مثال با بودن فرزند برای متوفی دیگر برادرش از او ارث نمی برد در این حالت می گویند فرزند متوفی حاجب برادر متوفی است.

حجر

نداشتن صلاحیت در دارا شدن حق یا اعمال حق را گویند مانند اینکه شخص دیوانه معامله اش بواسطه عدم اهلیت و داشتن حجر باطل است به این گونه که اشخاص محجور گفته می شود، مواردی که موجب حجری شود عبارتند از: کودکی، جنون، ورشکستگی برای تاجر، سفاهت.

حد

نوعی مجازات بدنی است و حداقل و حداکثر ندارد برای مثال حد شرب خمر ۸۰ تازیانه و زنای غیر محصنه ۱۰۰ تازیانه است.

حرز هر مکانی که غیر مالک بدون اذن مالک حق ورود به آن را نداشته باشد و در سرقت حدی هتک حرز یکی از شرایط تحقق جرم است. هتک حرز یعنی خراب یا سوراخ کردن یا شکاف دادن یا جای کردن وسایل محصور و محفوظ مانند دیوار پر چین، گاو صندوق و ...

حریم مقداری از اراضی اطراف ملک و قنات و نهر و امثال آن که برای استفاده بهتر از ملک حفظ آن ضروری است.

حضانت نگهداری مادی و معنوی و تربیتی طفل توسط کسانی که قانون مقرر کرده است.

حق ارتفاق حقی است که برای شخص در ملک دیگری مانند حق عبور، حق مجرای است.

حق انتفاع حقی است که به موجب آن شخص می تواند از مالی که عین آن ملک دیگری است یا مالک خاص ندارد استفاده کند مانند آنکه الف به ج اجازه دهد در ساختمان اش به مدت سه سال زندگی کند. (حق سکنی)

حق حبس در عقود معوض مانند عقد بیع هر یک از خریدار و فروشنده بعد از پایان قرارداد و امضای آن حق دارد مالی را که به طرف منتقل کرده به او تسلیم نکند تا طرف مقابل حاضر به تسلیم شود به طوری که در آن واحد موضوع معامله و بهای آن را به یکدیگر تسلیم کنند.

حق کسب و پیشه حقی است برای مستأجر مکان تجاری مانند بازرگان و پیشه‌ور که به واسطه کسب معاش در یک مکان در طول زمان به دست می آورند و با سرقتی فرق می کند. حق پیشه به تنهایی قابل معامله نیست و مستأجر نمی تواند هم منافع عین مستأجره را برای خود نگه دارد و هم حق کسب و پیشه را به دیگری منتقل کند و مالی از این راه به دست آورد بلکه هر دو را باید با هم منتقل کند. اما سرقتی پولی است که مستأجر به مالک می دهد و در صورت انتقال اجازه به مستأجر دوم از او می گیرد.

حق الوکاله اجرت و دستمزد وکیل

حکم و در امور مدنی و کیفری چنانچه رای دادگاه راجع به ماهیت دعوی و قاطع آن باشد به آن حکم اطلاق می شود برای مثال دادگاه در رای خود خواهان را به بی حقی محکوم می کند یا خوانده را به پرداخت خسارت به خواهان محکوم می کند.

حکم حضوری اصل بر این است که آرای محاکم حضوری است مگر آنکه خوانده یا وکیل او در هیچ یک از جلسات دادرسی حضور نداشته یا لایحه‌ای در پاسخ به دعوی به دادگاه نفرستاده و یا ابلاغ اخطاریه به خوانده واقعی نباشد.

حکم غیابی حکمی که حضوری نباشد غیابی است.

حکم قطع حکم غیر قابل اعتراض و تجدیدنظر و یا حکم قابل اعتراض و تجدیدنظر که در موعد مقرر از آن اعتراض و تجدیدنظر به عمل نیامده و نیز احکامی که در مرحله تجدیدنظر خواهی صادر می شود.

حکم نهایی حکمی است که به واسطه طی مراحل قانونی یا به واسطه انقضا مدت اعتراض و تجدیدنظر و فرجام دعوایی که حکم در آن موضوع صادر شده از دعاوی مختومه محسوب شود.

حکم داور

مقصود از زمان، زمان لازم الاجرا شدن قانون تا زمان منسوخ شدن آن است و مقصود از حکومت قانون یعنی اعتبار قانون از زمان لازم الاجرا شدن تا زمان منسوخ شدن آن است و قانون در کشور ما ۱۵ روز پس از انتشار آن توسط روزنامه رسمی لازم الاجرا می شود.

چیزی که در مرافعه و دعوی یا امور
حسبی اشخاص از دادگاه بخواهند
گاهی به جای این کلمه از (مدعی به)
فاده می شود.

خواسنہ غیرمالی
ی نسب، فسخ نکاح، تمکین،

هرگاه خواسته خواهان در عرف مال و یا چیزی باشد که مقصود خواهان از طرح آن دعوی، وصول مال باشد آن خواسته را به وجه چک، ضرر و زیان ناشی از جرم،

خسارت دادرسی

خلع

از انواع طلاق است جدا شدن زن از شوهر به ازای دادن مال به شوهر

خمر

مایع مست کننده مانند شراب یا آبجو

خیار

تسلط بر از بین بردن اثر حاصل از عقد را گویند. خیار ممکن است ناشی از توافق و تراضی طرفین باشد مانند خیار شرط در عقد بیع که به موجب آن شرط می شود که در مدت معینی برای خریدار یا فروشنده یا هر دو یا نفر سومی اختیار فسخ معامله باشد و یا ممکن است خیار ناشی از حکم قانون باشد مانند خیار مجلس که به موجب آن مادام که مجلس عقد به هم نخورده طرفین حق بر هم زدن معامله را دارند.

خیانت در امانت

استعمال یا استفاده مال مورد امانت توسط امین در جهتی که منظور صاحب مال نباشد برای مثال شخصی فرش خود را برای محافظت به امانت به دیگری می دهد ولی او فرش را می فروشد.

دادخواست

دائن طلبکار، بستانکار

دادخواست

شکوائیه ای است که به مراجع قضایی به طور کتبی و در اوراق مخصوص عرضه می شود. اصولاً در دعاوی مدنی خواهان باید خواسته اش را با تقدیم دادخواست در دادگاه طرح کند.

دادسرا

نهادهی است که وظیفه تعقیب جرایم را از حیث جنبه عمومی بر عهده دارد و هیأتی است که تحت ریاست دادستان انجام وظیفه می کند هر دادسرا مرکب از دادستان، به تعداد کافی معاون و دادیار و بازپرس است در حال حاضر در کشور ما دادسرای عمومی و انقلاب در حدود صلاحیت خود، کشف، تعقیب و جرم و تحقیقات مقدماتی را بر عهده دارد.

دادگاه

محلی که در آن به دعاوی مدنی یا کیفری یا امور حسبی توسط رئیس یا دادرس دادگاه در حدود صلاحیت قانونی و با رعایت تشریفات مربوط رسیدگی می شود.

دادگاه حقوق

دادگاهی که به دعاوی مدنی و امور حسبی در آن رسیدگی می شود.

دادگاهی که به دعوی کیفری در آن رسیدگی می شود. **دادگاه کیفری**

دادنامه پانویس رای دادگاه که به امضاء رئیس یا
 دادرس دادگاه و مدیر دفتر آن رسیده باشد
 مفاد دادنامه رأی دادگاه است

کسی که چک در وجه او صادر شده
 یا به نام او پشت نویسی شده یا
 حامل چک در مورد چک های در وجه حامل

داوری حل و فصل خصومت توسط غیر قاضی و بدون
 رعایت تشریفات رسمی رسیدگی به دعاوی

مسئولیت فروشنده کالا نسبت به
درک (ضمان درک) بهایی که در ازای فروش کالا از
 خریدار دریافت کرده به هنگامی که کالای فروخته شده مال غیر باشد در
 این حالت فروشنده باید بهای معامله را به خریدار رد کند. عین همین
 مسئولیت را خریدار نسبت به فروشنده در مورد بهای معامله دارد یعنی
 اگر بهای معامله ای که او پرداخته مال غیر در آید خریدار باید کالای
 خریداری شده را به فروشنده بازگرداند. اصطلاحاً در معاملات نوشته
 می شود (فروشنده ضامن درک بیع است و یا ...)

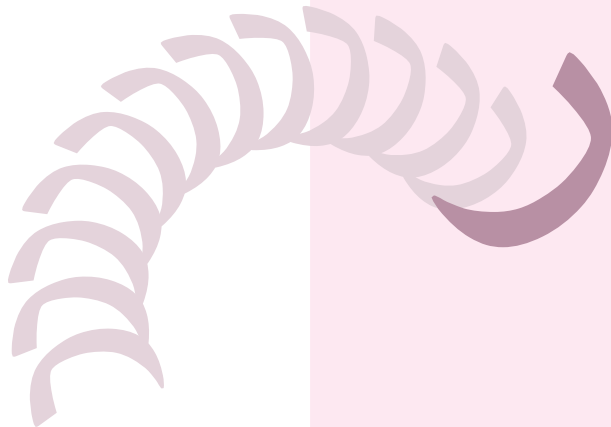
دعوی منازعه در حق و یا ادعای مدعی و نیز به مجموع
 ادعای مدعی و دفاع طرف مقابل گفته می شود.

دفاع جوابی که اصحاب دعوی به یکدیگر می دهند.

دین بدهی، به جمع دین دیون گفته می شود.

دین حال بدهی که موعد داشته و موعدش فرا رسیده
 باشد در مقابل دین موجل است.

دیه اصولاً مالی است که از سوی مجرم به شخصی که به واسطه
 ارتکاب جرم مصدوم و یا در مورد متوفی به ورثه او باید بپردازد.
 در پاره ای از موارد مجرم به جای قصاص باید دیه بپردازد برای مثال اگر
 انجام قصاص مقدور نباشد یا صاحب خون یا مصدوم از قصاص عفو کند.

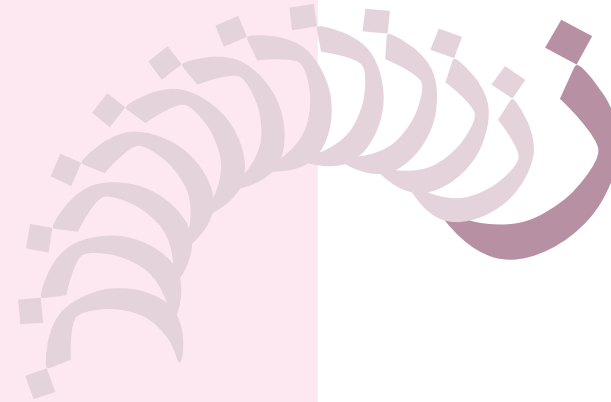


رسیدگی بدوی یا نخستین رسیدگی پرونده در دادگاه را گویند
 که اولین مرحله از مراحل رسیدگی
 است در حال حاضر در کشور ما رسیدگی پرونده در دادگاه عمومی
 (عمومی مدنی، عمومی کیفری) دادگاه کیفری استان، دادگاه انقلاب رسیدگی
 بدوی در محاکم دادگستری است.

رتبید کسی که دارای آن درجه از کیفیت نفسانی است
 که نفع و ضرر یا بدی و خوبی را تشخیص
 می دهد و کسی که فاقد این وصف باشد چنانچه دیوانه
 نباشد به او صغیر و یا اگر کبیر باشد به او سفیه گفته می شود.

رقبه عنوانی برای اموال غیر منقول

رهن عقدی است که به موجب آن مدیون مالی را برای وثیقه
 به بستانکار می دهد و اگر مال مورد رهن از
 حالت وثیقه بودن خارج شود می گویند از مال
 مورد رهن، فک رهن شده است.

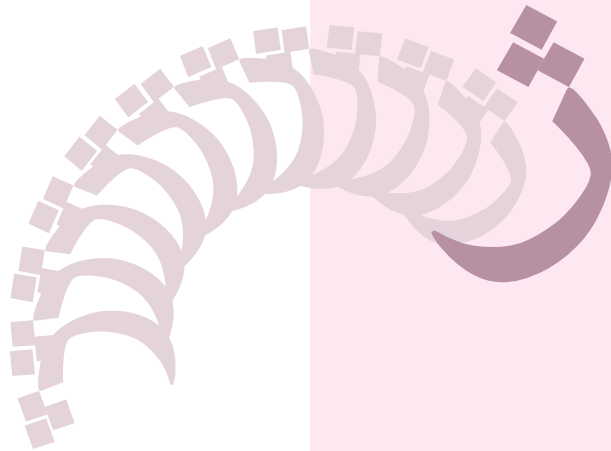


مرد و زنی که مرتکب جرم زنا شده است

زانی و زانیه

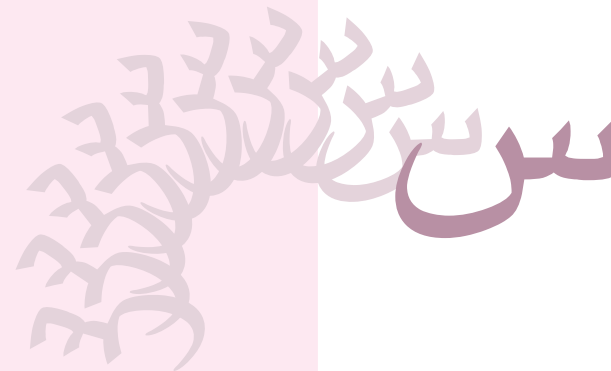
زوج و زوج

زن و شوهر



گروهی از طبقات جامعه که در رسیدگی و محاکمه بعضی از جرایم با قضات همکاری می کنند. در کشور ما در جرایم مطبوعاتی و سیاسی از هیأت ژوری استفاده می شود.

ژوری



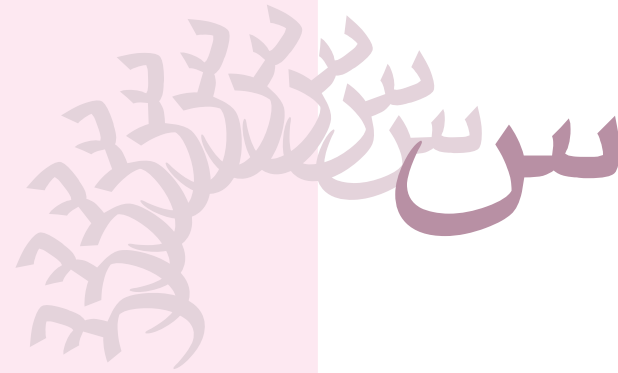
سرقت عبارت است از ربودن مال و اشیاء دیگری بدون رضایت او و بر خلاف حق سرقت به دو دسته عمده سرقت تعزیری و سرقت حدی تقسیم می شود.

سندی است تجاری که به موجب آن امضاء کننده (صادر کننده) تعهد می کند در زمان معین یا به محض مطالبه در وجه حامل یا شخص معین یا به حواله کرد آن شخص کار سازی کند.

سَفَه عدم رشد یا سفه: شخص کبیر و بالغ که اعمال و تصرفاتش در امور مالی اش عقلانی نباشد و نتواند ضرر و نفع اش را درست تشخیص دهد. بنابراین ممکن است شخصی دارای معلومات و دانش بالایی باشد ولی در امور سفیه محسوب شود. اعمال شخص سفیه در امور غیر مالی صحیح است برای مثال اگر مرد سفیهی ازدواج کند عقد نکاح او که امری است غیر مالی صحیح بوده ولی برای تعیین مهریه نیاز به اجازه سرپرست قانونی اش است.



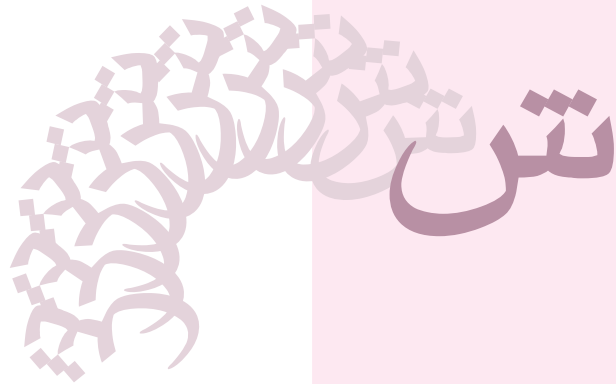
تشخص حقوقی گروهی از افراد انسانی یا منفعتی از منافع عمومی که قانون آن را در حکم شخص حقیقی و طبیعی (انسان) قرار داده و آن را موضوع حقوق و تکالیف قرار می دهد مانند شرکت های تجاری و موسسات دولتی، شهرداری ها و ... شخص حقوقی موضوع هر حق و تکلیفی قرار می گیرد جز آنچه که اختصاص به انسانها دارد مانند اینکه شخص حقوقی نمی تواند پدر شود یا ازدواج کند و ... ولی می تواند دارای حساب بانکی شود یا بدهکار و بستانکار به حساب آید.



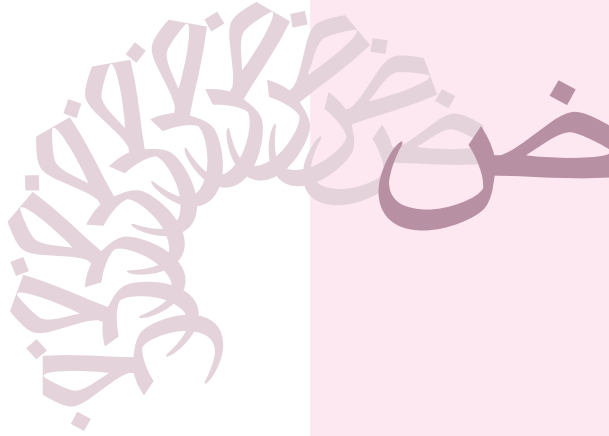
عبارت است از ربودن مال و اشیاء دیگری بدون رضایت او و بر خلاف حق سرقت به دو دسته عمده سرقت تعزیری و سرقت حدی تقسیم می شود.

سندی است تجاری که به موجب آن امضاء کننده (صادر کننده) تعهد می کند در زمان معین یا به محض مطالبه در وجه حامل یا شخص معین یا به حواله کرد آن شخص کار سازی کند.

عدم رشد یا سفه: شخص کبیر و بالغ که اعمال و تصرفاتش در امور مالی اش عقلانی نباشد و نتواند ضرر و نفع اش را درست تشخیص دهد. بنابراین ممکن است شخصی دارای معلومات و دانش بالایی باشد ولی در امور سفیه محسوب شود. اعمال شخص سفیه در امور غیر مالی صحیح است برای مثال اگر مرد سفیهی ازدواج کند عقد نکاح او که امری است غیر مالی صحیح بوده ولی برای تعیین مهریه نیاز به اجازه سرپرست قانونی اش است.

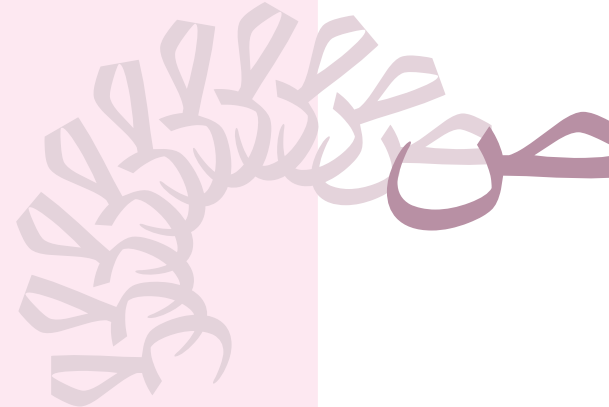


تتشخص حقوقی گروهی از افراد انسانی یا منفعتی از منافع عمومی که قانون آن را در حکم شخص حقیقی و طبیعی (انسان) قرار داده و آن را موضوع حقوق و تکالیف قرار می دهد مانند شرکت های تجاری و موسسات دولتی، شهرداری ها و ... شخص حقوقی موضوع هر حق و تکلیفی قرار می گیرد جز آنچه که اختصاص به انسانها دارد مانند اینکه شخص حقوقی نمی تواند پدر شود یا ازدواج کند و ... ولی می تواند دارای حساب بانکی شود یا بدهکار و بستانکار به حساب آید.



ضرر مادی و معنوی

ضرر مادی همان ضرر مالی و بدنی است و ضرر معنوی ضرری است که به شرف و حیثیت افراد وارد می آید. برای مثال با تخریب ملک دیگری به او ضرر مادی وارد می آید و با اشاعه اکاذیب و دادن نسبت ناروا یا فحاشی به او ضرر معنوی وارد خواهد شد.

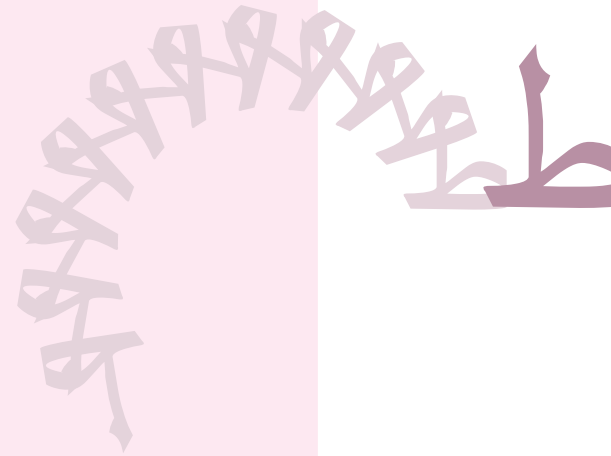


صغیر

کسی که به سن بلوغ نرسیده است. سن بلوغ برای پسر ۱۵ سال قمری و دختر ۹ سال قمری است.

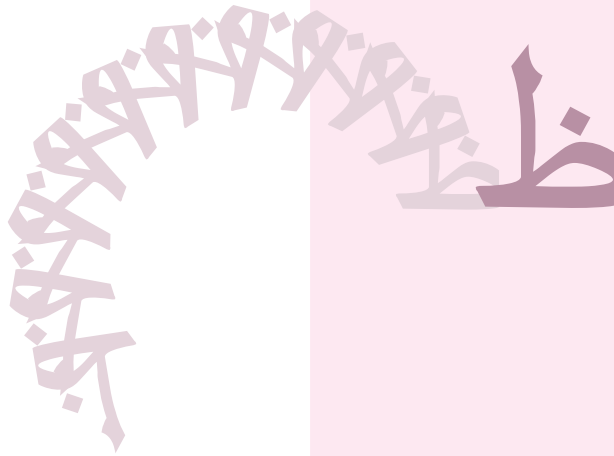
صغیر ممیز و غیر ممیز

به صغیری که در معامله روزمره و جزئی مثل خرید بیسکویت نفع و ضرر خود را تشخیص می دهد صغیر ممیز گفته می شود و اگر صغیر دارای این صفت نباشد به او صغیر غیر ممیز گویند.



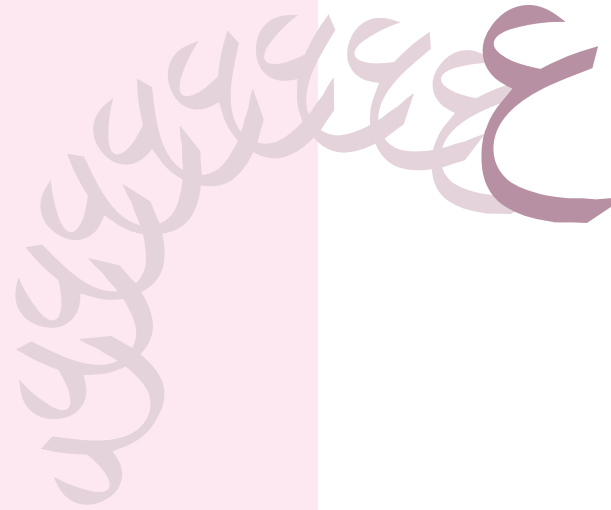
طفل حاصل از زنا را گویند طفل نامتروع

انحلال رابطه زناشویی است در ازواج دائم و انواع مختلفی دارد برای مثال طلاق رجعی که شوهر می تواند در ایام عده طلاق و بدون ازدواج مجدد با زن مطلقه با او بسر ببرد یا طلاق خلع که زن به جهت کراهتی که از شوهر دارد با دادن مالی به او که می تواند معادل مهریه یا بیشتر و کمتر از آن باشد از او طلاق بگیرد و نیز طلاق بائن که در آن مرد حق رجوع به زن را وارد مگر با ازدواج دوباره با او و نیز طلاق مبارات که زن و مرد از یکدیگر کراهت داشته و زن با دادن مالی به شوهر که بیشتر از میزان مهریه نیست از او جدا می شود.



دارنده سند بدهی مانند چک، سفته و ... در پشت آن با امضاء اجازه و دستور می دهد که مبلغ سند به شخص دیگری پرداخت شود.

ظهنویس



عاریه عقدی است که به موجب آن یک طرف به طرف دیگر اجازه می دهد که از عین مال او مجاناً استفاده کند بنحوی که با استفاده از عین مال از بین نرود مانند آنکه الف کتابش را به دیگری عاریه دهد.

عاقله بستگان ذکور نسبی پدر و مادر یا پدری قاتل به ترتیب طبقات ارث که تحت شرایطی مسئولیت پرداخت دیه را دارند برای مثال اگر دیوانه ای مرتکب قتل غیر عمدی شود پرداخت دیه با عاقله اش است.

عدوانه تصرف بدون مجوز در مال غیر

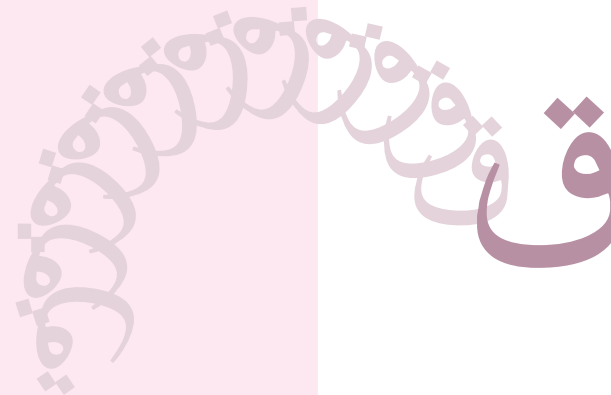
عده مدتی که در آن مدت زنی که ازدواجش از طریق طلاق، وفات، فسخ نکاح یا بذل مدت منحل شده نمی تواند شوهر دیگری اختیار کند.

عقد فضوله عقدی است که کسی بدون داشتن سمت و اجازه از سوی غیر برای او انجام می دهد برای مثال الف بدون داشتن سمت وکالت اتومبیل ب را می فروشد.

عمل منافی عفت هرکاری که به امور جنسی مربوط بوده و بر حسب عرف و احساسات عمومی شرم آورد بوده و قانون برای آن مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی مقرر کرده باشد. مانند اجیر کردن فواحش، تشویق جوانان به فساد جنسی، توزیع تصاویر خلاف عفت به قصد تجارت.

عملیات اجرائی اقدامات قانونی که برای اجرای یک حکم یا یک قرار قطعی بوسیله دایره اجرای دادگاه یا اجرا ثبت اسناد یا سایر مقامات اجرائی صورت می گیرد.

عندالمطالبه صفت اسناد یا بدهی است که به محض مطالبه دارنده آن باید پرداخت شود مانند مهریه که به محض مطالبه زوجه باید از سوی زوج پرداخت گردد.



قباله

سند معامله و عقد و سند مالکیت

قذف

نسبت دادن زنا یا لواط به دیگری

مانند حکم تصمیم دادگاه است ولی قاطع دعوی نبوده و یا در ماهیت دعوی نیست مانند قرار توقیف دعوی مدنی به لحاظ قوت خواهان.

قرار

قراردادی است که بین تاجر ورشکسته و تمام یا اکثریت طلبکاران او بسته می شود مشروط به آنکه به ورشکسته به ثقل و تقصیر نباشد و پس از رسیدگی به مطالبات و قبل از شروع به فروش و دارایی و تصفیه منعقد می شود و طلبکاران از مقداری از طلب خود صرف نظر کرده و بقیه را با ترتیب معینی از تاجر وصول خواهد کرد.

عقدي است که به موجب آن یکی از طرفین عقد مقدار معینی از مال خود را به طرف دیگر می دهد که طرف او مثل آن مال را از حیث مقدار، جنس و وصف به او

رد کند و اگر امکان رد وجود نداشته باشد قیمت روز رد را به او بپردازد.

قرض

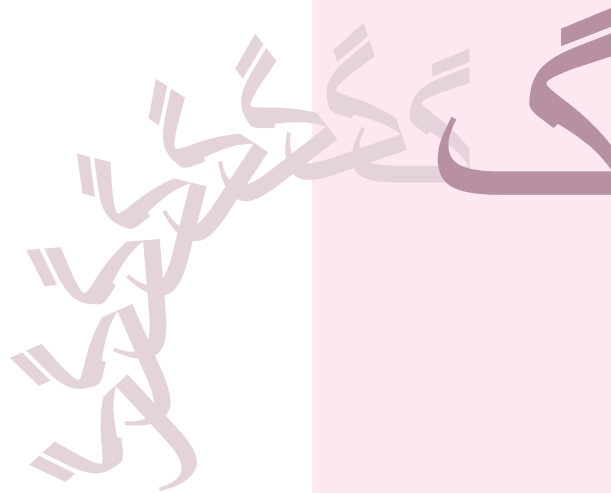
کیفری است که مرتکب به آن محکوم می شود و باید با جنایت او برابر باشد. قصاص دو نوع است، قصاص عضو و قصاص نفس.

دعوایی که منتهی به نظر نهایی دادگاه شده باشد و دیگر نتوان آن را برای دادرسی به جریان انداخت.

قضیه محکوم بها

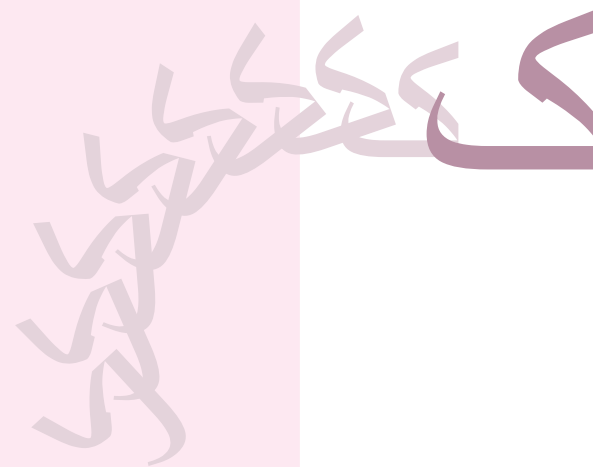
قیم

نماینده قانونی محجور که از طرف مقام قضایی صالح در صورت نبودن ولی قهری و وصی او تعیین می شود. مانند طفلی که پدر و پدر بزرگ پدری نداشته و از طرف دادگاه به عنوان قیم انتخاب می شود.



گزارش اصلاح
 صورت مجلسی که دادگاه در
 موقع سازش طرفین دعوی
 تنظیم می کند این گزارش اعتبار اسناد رسمی را داراست.

گواهی امضاء
 تصدیق امضاء زیر سند
 عادی توسط دفترخانه
 اسناد رسمی را گویند چنین
 سندی عادی است و نمی توان همانند اسناد رسمی روی آن اجرائیه صادر کرد.

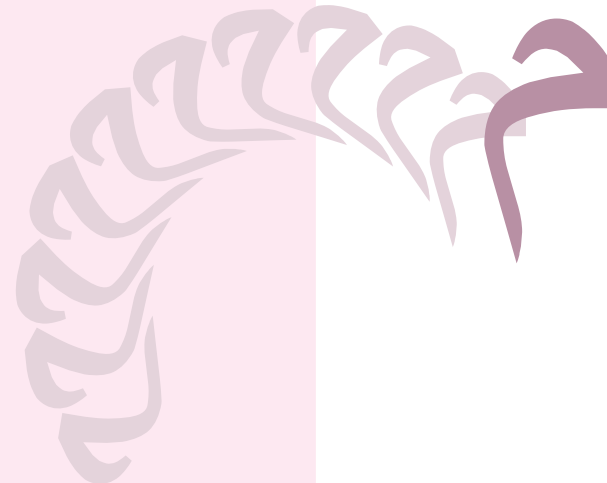


کفالت
 عقی است که به موجب آن یک طرف در مقابل
 طرف دیگر حضور شخص ثالثی را
 تعهد می کند. به متعهد، کفیل و به
 کسی که باید حاضر شود (شخص ثالث) مکفول گویند.

کیفر خواست
 درخواست دادستان از دادگاه برای
 به کیفر رساندن متهم. کیفر خواست
 حاوی نام و مشخصات، محل اقامت متهم و نوع اتهام و دلایل آن و مواد
 قانونی مورد استناد برای اعمال کیفر و ... می باشد.

کیفیات مخففه
 اوضاع و احوالی است که موجب
 می شود تا دادگاه در اعمال
 مجازات برای متهم تخفیف قائل شود و یا او را از مجازات معاف کند.
 برای مثال اگر متهم با انگیزه شرافتمندانه مرتکب جرم شده و یا پس از
 وقوع جرم در صدد جبران خسارت بر آید و یا رضایت شاکی را جلب
 کند و ... دادگاه در میزان مجازات او تخفیف قایل می شود و یا نوع
 مجازات را تبدیل می کند فرضاً مجازات شلاق او را به جزای نقدی تبدیل
 می کند.

کیفیات مشدده
 اوضاع و احوالی است که هرگاه
 جرم در آن اوضاع و احوال
 واقع شود موجب تشدید مجازات می شود مانند سرقت در شب یا با اسلحه



ماترك مالی که با فوت مالک آن و به حکم قانون به وراثت تعلق می گیرد

مبیع کالایی که فروخته می شود در مقابل ثمن

متداعیین طرفین دعوی، اصحاب دعوی

متععه نکاح موقت - صیغه

متنازع فیه مورد اختلاف، مورد دعوی

متهم کسی که فاعل جرم تلقی شده ولی هنوز دلایل کافی برای محکومیت او وجود نداشته و یا حکم محکومیت قطعی او صادر نشده است

مجنون کسی که فاقد قوه تشخیص نفع و ضرر و حسن و قبح است. جنون یا دائمی است و یا دوره ای

مجهول المالک مالی که سابقه تملک دارد ولی در زمانی هویت مالک آن ناشناخته و مجهول است

محاكم دادگاه ها

محجور کسی که فاقد عقد و یا رشد یا کبر سن باشد و یا در صورت دارا بودن عقل و رشد و کبر سن، تاجر ورشکسته باشد

محصن کسی که دارای صفات احصان باشد

محصنه زنی که دارای صفات احصان باشد. در زنای غیر محصن و غیر محصنه مجازات زانی و زانیه هر یک یکصد ضربه شلاق حدی است

محكوم کسی که به حکم دادگاه مدنی یا کیفری و مراجع اداری محکوم شده است

محكوم به موضوعی که محکوم علیه به آن محکوم شده است و برای مثال در دعوی مطالبه اجاره بهای معوقه اگر مستاجر به پرداخت ریال محکوم شود محکوم به ریال خواهد بود

محل اقامت محلی که شخص در آنجا سکونت داشته و مرکز امور مهم او نیز در آنجا باشد. اگر محل سکونت شخص غیر از مرکز امور مهم اش باشد مرکز امور مهم او اقامتگاه اش محسوب می شود مرکز امور مهم عبارت است از محلی که شخص در آنجا از حیث شغل یا کسب یا خدمت و ... اقامت دارد. در مورد اشخاص حقوقی مانند شرکت ها و یا موسسات دولتی اقامتگاه شان جایی است که اداره شخص حقوقی آنجاست

مدعی

خواهان، کسی که ادعایی دارد و بار اثبات ادعا بر عهده اوست

مدعی علیه

خوانده، کسی که به ادعای خواهان پاسخ می دهد

مدعی به

خواسته، موضوعی که خواهان مدعی آن است

مدعی العموم

دادستان، نماینده جامعه برای تعقیب جرایم از حیث جنبه عمومی آن

مدیون

کسی که بدهی یا تعهدی بر ذمه و عهده اوست

مرتهن

کسی که مال غیر پیش او بصورت رهن است

مرور زمان

گذشتن مدتی که به موجب قانون پس از آن دعوی شنیده نمی شود

مزایده

روشی برای فروش مال است که علاقمندان خرید

کالایی با هم رقابت کرده و هر یک که مبلغ

بیشتری پیشنهاد دهد کالا به او فروخته می شود

در مزایده باید مبنایی برای تعیین قیمت کالا وجود داشته باشد ولی

در حراج چنین نیست

مزور

متقلبانه، چیزی بر خلاف واقع که برای فریب دیگری

ساخته باشند مانند ساخت سکه و طلای مغشوش

مسئولیت

تعهد قانونی شخص برای رفع ضرری

که به دیگری وارد کرده خواه این

ضرر ناشی از تقصیر خود او باشد یا ناشی از فعالیت او. مسئولیت بر

دو نوع است مسئولیت مدنی که یا ناشی از قرار داد است مانند مسئولیت

فروشنده خانه برای عدم تحویل به موقع خانه به خریدار و گاه ناشی از

قرار داد نبوده و اصطلاحاً ضمان قهری است مانند تخریب مزرعه

دیگری بواسطه عدم مراقبت صاحبان گله گوسفندان هنگام چرا. مسئولیت

کیفری ناشی از ارتکاب جرم می باشد و جرم یا بر مبنای عمد و سوء

نیت است مانند سرقت و یا بر اثر خطا و بی مبالاتی مانند قتل غیر عمدی

ناشی از عدم رعایت مقررات قانون کار

مساحقه

همجنس بازی زنان با آلت تناسلی

مستثنیات دین

اموالی که برابر قانون در هنگام

اجراء و اقرار یا سند

رسمی مشمول مقررات اجرا نیست و توقیف

نمی شوند و به ضرر مالک محکوم و مدیون به فروش نمی رسد مانند

مسکن مورد نیاز محکوم علیه

مستحق للغير

هرگاه مالی مورد معامله واقع شود

و پس از معامله مشخص شود

که آن مال متعلق به فروشنده نبوده و به شخص ثالثی تعلق داشته می گویند

آن مال مستحق للغير درآمده است

مستتلق

بازپرس

مشتک عنه

کسی که از او شکایت می شود، مقابل شاکی

معاونت در جرم

تحریک عامل اصلی جرم یا کمک در تهیه مقدمات یا در لواحق جرم با علم و تسهیل در اجرا آن و بطور کلی کمک عالمانه به مباشر جرم از طرف غیر عامل و مباشر جرم. برای مثال الف برای کمک به ب در سرقت اتومبیل سر خیابان ایستاده و با مراقبت از محوطه در صورت مشاهده پلیس او را خبردار می کند و یا برای فرار از زندان برای متهم ابزار و اره آهن بر تهیه کرده و بدست او می رساند. معاونت در جرم قبل از ارتکاب جرم یا در حین ارتکاب جرم مصداق دارد نه بعد از آن. چنانچه بعد از ارتکاب جرم با مباشر همکاری شود ممکن است کمک کننده تحت عناوین دیگری مانند اخفاء ادله جرم تحت تعقیب قرار گیرد

معاینه محل

بازدید مراجع قضایی یا اداری از محل وقوع جرم یا مورد دعوی و اختلاف

معسر

کسی که بواسطه عدم کفایت دارایی یا دسترسی نداشتن به مال خود قادر به پرداخت هزینه دادرسی یا بدهی اش نباشد

مهر

مال معینی است که زوج به زوجه در عقد نکاح می دهد و انواع مختلف دارد

مهرالمتعه

اگر در عقد مکاح مهری ذکر نشده باشد و شوهر قبل از نزدیکی و تعیین مهر زن خود را طلاق دهد به زن مهرالمتعه تعلق خواهد گرفت برای تعیین مهرالمتعه وضعیت و حال مرد از حیث فقر و غنا ملاحظه می شود

مهر المثل

هرگاه هنگام عقد نکاح مهریه تعیین نشود و پس از نزدیکی و قبل از تراضی بر مهریه ای معین بر حسب شرافت و وضعیت خانوادگی زوجه و اوضاع و احوال او مهریه تهیه می شود

مهرالمسم

مهری که در عقد نکاح معین شده یا تعیین آن به شخص ثالثی واگذار می شود

نسب

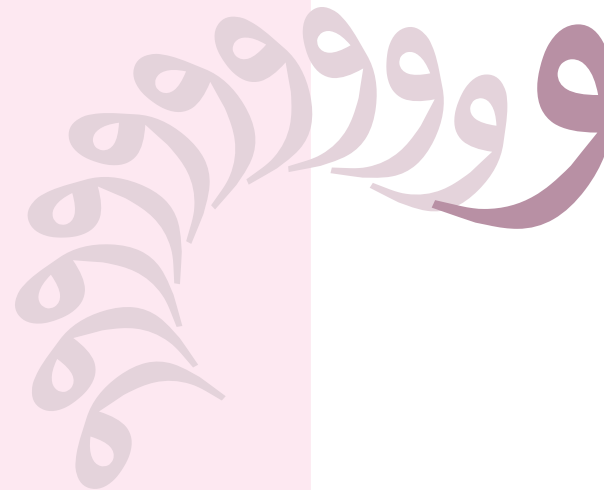
رابطه شخصی به دیگری از طریق ولادت مانند پدر و پسر و یا بواسطه خویشاوندی مانند دو برادر

نشر اکاذیب

انتشار و اشاعه با سوء نیت اخبار دروغ و وقایع خلاف واقع

نفقه

عبارت است از مسکن، البسه، غذا، اثاث البیت که به طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم در صورت عادت زن به داشتن خادم یا احتیاج او به واسطه مرض یا نقصان اعضا



ورات، ورثه جمع وارث، کسانی که از دیگری مالی را به ارث می برند

ورقه استشهادیه استشهادیه ورقه ای است رسمی یا عادی که گواهان شهادت خود را در آن به خط خود یا دیگری نوشته باشند

ورقه جلب حکمی است کتبی که قاضی به موجب آن به ضابطین دستور می دهد که شخصی را نزد او حاضر کنند

وصیت تملیکه به موجب آن کسی عین یا منفعت مال خود را برای زمان پیش از مرگش بطور مجانی به دیگری می دهد

وصیت عهدی مأمور کردن دیگری برای انجام کاری نسبت به بعد از زمان فوت وصیت کننده

وصیت نامه ورقه ای است رسمی یا عادی که شخص قبل از فوت خود در آن وصیت خود را می نگارد

وکالت عقدی است که به موجب آن، شخص به دیگری اختیار انجام عملی را به نام و به نفع خود می دهد. وکالت دهنده را موکل و وکالت گیرنده را وکیل گویند

وکیل در توکیل وکیلی است که از جانب موکل خود اختیار دارد تا وکیل دیگری برای موکل خود معین کند و یا اینکه وکیلی برای خودش تعیین کند

ولع کسی که به حکم قانون اختیار دیگری را در قسمتی از امور داراست

ولع قهری ولایت پدر یا جد پدری نسبت به صغیر